

می‌دهد، همگی جذابند زیرا موقعیت‌ها جذاب و خاص هستند و این طور نیست که در سریال دیگری آنها را ببینیم. یک مافیای گوناگونی که هرگاه در قصه‌ای در این ژانر برای بیننده تعریف شده باشد، جذاب خواهد بود.

شاید ایفای اغلب نقش‌های خاکستری و منفی برای بازیگران جذاب تر باشند؛ چرا که آنها را با چالش‌های بیشتری روبه‌رو می‌کند و ممکن است بیشتر هم دیده شوند. این موارد در پذیرش و حضورتان در سریال «هفت سر ازدها» موثر بود؟

بله ما نقش‌های منفی اثر گذاری در تاریخ سینمای جهان داریم که مطمئناً از نقش‌های مثبت بیشتر هستند. به این دلیل که مولفه‌های موجود در شناسنامه کاراکتر و تعریف آنها از کاراکتر مثبت بیشتر است؛ مضاف بر اینکه ما خیلی هم بلد نیستیم کاراکترهای مثبت را تعریف کنیم. کاراکترهای مثبت ما پلاستیکی و بسیار غیر قابل باور و رویایی هستند. همین است که ما بیننده گره نمی‌خورند اما به دلیل اینکه در شخصیت‌های منفی می‌توانیم هرآنچه که در واقعیت وجود دارد را انجام دهیم بیننده هم درست‌تر آن را باور می‌کند؛ بنابراین ضعف در تعریف شخصیت‌های مثبت است که تا این اندازه شخصیت‌های منفی گیرا تر می‌شوند. جدای مولفه‌هایی که از آنها صحبت کردیم حتی شخصیت‌های مثبت و قهرمان هم می‌توانند بسیار سمپات شوند و از این نمونه‌ها کم نداریم اما قاعدتاً تعداد شخصیت‌های منفی بیشتر است. البته این را هم بگویم که ما یکسری شخصیت‌های منفی داریم که روبه‌روی قهرمان داستان قرار می‌گیرند اما مقداری در تعریف با شخصیت‌های منفی دارای مشترکات و تفاوت‌هایی هستند. یعنی هر دو در دسته و گروه منفی قرار می‌گیرند که من به آنها می‌گویم شخصیت‌های مانع. دوست ندارم شخصیت‌های مانع را بازی کنم اما شخصیت‌های منفی را بله.



این را هم بگویم که آقای طالبی اصلاً دوست نداشت این نقش، نقش جذابی باشد اساساً به لحاظ اینکه نقش سمپات باشد مایل نبود این اتفاق بیفتد اما به هر حال فیزیکی این نقش منفور و منفی این جذابیت را دارد و روی لبه‌ای حرکت می‌کرد که با تماشاچی سمپات شود

نمایشی در یک اثر نمایشی برای مردم ایجاد کنم. خیلی از مواقع پیش می‌آمد که باز خوردها بسیار خوب بودند. بنابراین اگر تعریف از خود نباشد من در زمینه بازیگری بسیار بی‌رودری هستم و احساس می‌کنم هر چیزی را اگر درست است باید درستش را گفت و برعکس. منتقد بی‌رحمی هستم و اولین منتقد خودم، خودم هستم. حتی اشکالات و ایراداتم را نسبت به نقاط قوتم بیشتر می‌بینم؛ در مجموع احساس می‌کنم آن تیری که باید از جانب بازیگر به تمام حواس بیننده اصابت کند را شلیک کرده‌ایم.

چقدر نقش سختی را تجربه کردید؟

نقش بسیار سخت است. این نقش به راحتی می‌توانست تبدیل به یک کاریکاتور و شخصیت پلاستیکی شود. این شخصیت بدمن قصه است و اگر قرار بود به کاراکتری تبدیل شود که جذاب هم نباشد باید فاتحه سریال را می‌خواندیم. می‌توانم بگویم که تمام بار سریال روی دوش سلطان خواهد قرار گرفته است. ما قصد نداریم با ارزش‌های اخلاقی این اثر نمایشی را نقد کنیم چراکه چنین کاری اصلاً ممکن نیست و من فقط از جانب بازیگر نقش سلطان خواه صحبت می‌کنم و باید بگویم ستون قصه روی این کاراکتر و نقش گذاشته شده بود.

چالش‌های حضور در این سریال و ایفای چنین شخصیتی برای مجید واشقانی چه بوده و هست؟

ما هم زندگی خانوادگی سلطان خواه را می‌بینیم و هم زندگی کاری این آدم را و هر دوی این‌ها سرشار از چالش بود چراکه در مواجهه با کاراکترهای مختلف و در موقعیت‌های متنوعی که قرار می‌گیرد، چالش داشت. تمام جذابیت هر نقش بسته به آن است که چقدر در موقعیت‌های متفاوت با کنترل‌است بالا قرار می‌گیرد که اگر قرار گرفت نقش، نقش جذابی خواهد بود. این نقش در سکانس به سکانس در تصمیم‌گیری‌ها، واکنش‌هایی که به موقعیت‌های مختلف نشان

خانواده و چه در محیط کار که باعث می‌شد این نقش به اصطلاح تخت نباشد؛ ایفای آن بسیار مشکل بود. بنابراین برای من نقش بکری به حساب می‌آید. مضاف بر اینکه تمام این سریال خواسته یا ناخواسته در خدمت این کاراکتر است. در واقع قصه، قصه سلطان خواه است. به همین دلایل کار و نقش برای اینکه آن را بازی کنیم برایم سرشار از جذابیت بود.

ما به ازایی برای نقش متین سلطان خواه داشتید؟

هیچ ما به ازایی برای آن نداشتیم. بازیگران دیگر هم چنین نقش‌هایی را بازی کرده بودند اما حتی نزدیک به آنها هم بازی نکردم و خواستم شخصیتی کاملاً منحصر به فرد برای این قصه باشد تا بتوانیم به متین سلطان خواه، معروف می‌کنم با توجه به باز خوردها، نقش در آمده و مردم با آن گره خورده‌اند. معلوم است که مردم در زندگی واقعی چنین کاراکتری را دوست ندارند اما در یک نمایشی همه کاراکترها باید جذابیت نمایشی داشته باشند و سلطان این جذابیت نمایشی را دارد.

بعد از بخش چند قسمت از سریال و مشاهده بازی تان، فکر می‌کنید چه اندازه در ایفای این نقش درست و موفق عمل کرده‌اید؟

مطمئناً دیکته نوشته شده غلط هم دارم. الا که می‌بینم جاهایی وجود دارد که باید به گونه دیگری بازی می‌کردم. این در مورد تمام نقش‌هایی که بازی می‌کنیم وجود دارد؛ وقتی کار را تماشا می‌کنید درمی‌یابید چه کارهایی را باید انجام می‌دادید و چه کارهایی نیاز نبود که انجام دهید. اما در زمان ضبط تمام تلاش‌ها را به کار گرفتیم تا تمام مولفه‌های مربوط به شخصیت را برای تبدیل کردن به فعل در نظر داشته باشیم به علاوه تمام قوه و استعداد بازیگریم را به کار بگیرم تا بتوانم یک شخصیت کارزماتیک

آغازده «هفت سر ازدها» بودن



را هم برای مخاطب قابل درک کند؛ این نیازمند کنترل و تسلط بر میمیک صورت است که واشقانی در این سریال به خوبی از عهده این مسئولیت برآمده است. صلاحیتی هم که از او در راه رفتن و حرکاتش می‌بینیم، تکمیل‌کننده کاراکتر بوده و ترکیب میمیک صورت و صلابت بدن از او یک آغازده تمام عیار ساخته؛ آغازده‌ای که غرور و تظاهر و زیرکی را با هم دارد. اهمیت بازی بدن در ایفای نقش‌ها به ویژه برای کاراکترهای اصلی داستان از این منظر است که اگر مخاطب باز بگر را در قامت نقش نپذیرد، سیر داستان را هم دنبال نمی‌کند و حتی اگر سوژه و محتوا هم خوب باشد، کار شکست می‌خورد. ویژگی متمایز واشقانی در طی سال‌های بازیگری او این بوده که معمولاً سعی کرده انتخاب‌های یکسان نداشته و با ایفای نقش‌های متمایز، در ذهن مخاطب تکراری نشود.

آنچه از مجید واشقانی در قاب تلویزیون به خاطر داریم، عموماً کاراکترهای مثبتی بوده و نقش آفرینی این بازیگر در سریال‌های پلیسی نظیر «ماتادور» و «میکائیل» هم مورد توجه مخاطبان قرار گرفت. البته واشقانی رادر قالب‌های منفی نظیر آنچه در «هوش سیاه» به نمایش گذاشت هم دیده‌ایم اما نقشی که این بازیگر در تازه‌ترین کار خود ایفا کرده، کمی متفاوت‌تر و چالشی‌تر از دیگر کاراکترهایی است که او در آن نقش آفرینی کرده است. واشقانی در جدیدترین اثر ابوالقاسم طالبی که این شب‌ها از شبکه سه سیما پخش می‌شود، در قامت آغازده‌ای ظاهر شده که مفهده‌های بسیاری از او سر می‌زند. آغازده «هفت سر ازدها» از این جهت نقش چالشی برای واشقانی است که چند وجه دارد و باید گاه خوب و گاه بد باشد و در عین حال پیچیدگی شخصیت